تقویم جنگ

ریشه‌های دفاع مقدس در عاشورای حسینی

حمله به دشمن با رمز یا حسین(ع)

غلامحسین بهبودی

در دوران دفاع‌مقدس باورهای عاشورایی مردم ایران در جای جای جبهه‌های جنگ مشهود بود. خط سرخ عاشورا و واژه مقدس «شهید» که در باور شیعیان ریشه تاریخی داشت، خیلی زود جایش را در فرهنگ دفاع‌مقدس باز کرد و به این ترتیب مردم ایران با روحیه شهادت‌طلبی و داوطلبانه به جبهه‌های جنگ رفتند و متجاوز را از کرده خود پشیمان کردند.

فرهنگ عاشورایی

ماه محرم برای شیعیان و خصوصاً ایرانی‌ها رنگ‌وبوی دیگری دارد. هر سال در دهه محرم بسیاری از مردم ایران با عقاید مختلف زیر پرچم سرخ اباعبدالله‌الحسین(ع) جمع می‌شوند و درس‌های عاشورا را تکرار می‌کنند. شهید و شهادت در فرهنگ شیعی ایران ریشه‌های چند صد ساله دارد و با چنین باورهایی بود که مردم ایران انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندند و برای آن خون دادند. با شروع جنگ نیز فرهنگ عاشورای ایرانیان باعث شد تا به شیوه خود به دفاع از کشورشان بپردازند. ایثار، فداکاری از خودگذشتگی و نهراسیدن از مرگ، ریشه در فرهنگ عاشورایی ایرانیان داشت. با چنین طرز فکری جنگ تحمیلی تبدیل به دفاع‌مقدس شد و از دل آتش و سختی‌های جنگ، گنجینه‌هایی معنوی و ارزشمند به یادگار ماند.

با رمز کربلا

در دوران دفاع‌مقدس بسیاری از یگان‌های حاضر در جبهه‌های جنگ، بنابر باورهای دینی و اعتقادی مردم ایران نامگذاری شدند. در میان این نام‌ها، اسامی برگرفته از فرهنگ عاشورایی نمود بیشتری داشت. لشکر کربلا، لشکر عاشورا، لشکر امام حسین(ع)، تیپ حضرت ابوالفضل(ع) و... از شناخته شده‌ترین لشکرها و یگان‌های سپاه بودند که نام‌شان برگرفته از همین فرهنگ عاشورایی بود. بسیاری از عملیات دفاع مقدس نیز چنین نام‌هایی داشتند. عملیات کربلای یک تا ۱۰، عملیات عاشورا، عملیات مسلم بن‌عقیل، عملیات محرم و... از این جمله هستند. نامگذاری بزرگ‌ترین و سخت‌ترین عملیات جنگ یعنی «کربلای ۵» برهمین اساس بود. هر روز کربلای ۵ عاشورایی دیگر بود و در طی این عملیات سخت و طولانی مدت، شهدای بسیاری تقدیم شد.

روحیه شهادت طلبی

روحیه شهادت طلبی بارزترین صفتی است که رزمندگان ایرانی در دفاع مقدس داشتند. تمامی شهدا و رزمندگان جنگ نیز به تأسی از قیام امام حسین(ع) و خون‌هایی که در عاشورای حسینی ریخته شد، به چنین باور و روحیه‌ای رسیده بودند. در آن روزها اگر پیرمردی به جبهه‌ها می‌رفت و از او می‌پرسیدند چرا با محاسن سفید قدم به میدان نبرد گذاشته است، از حبیب‌ابن‌مظاهر یار باوفای امام حسین(ع) مثال می‌آورد. یا نوجوان شهید مرحمت بالازاده وقتی که می‌خواست اذن جبهه رفتن را از رئیس‌جمهور وقت (مقام معظم رهبری) بگیرد، مثال از حضرت قاسم(ع) نوجوان شهید کربلا آورد. در دفاع مقدس، چه حبیب‌ها و چه قاسم‌ها و چه علی‌اکبرها که از گوشه و کنار ایران به جبهه رفتند و هر روز عاشورایی دیگر خلق کردند. شعار «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» در جبهه‌های جنگ بود که به منصه ظهور رسید.

باورهای ماندگار

باورهای عاشورایی مردم ایران آنقدر قدرتمند و ماندگار است که نه ظرف مکانی می‌شناسد و نه ظرف زمانی. در روزهای گذشته که رژیم صهیونیستی و امریکا به ایران حمله کردند، باز همین باورهای عاشورایی بود که باعث مقاومت بی‌نظیر ملت ایران در برابر دو قدرت هسته‌ای شد. در باور عاشورایی، شکست معنی ندارد و ما قائل به انجام تکلیف هستیم نه نتیجه و با چنین باورهایی به مصاف دشمن می‌رویم، بدون اینکه ترسی از مرگ داشته باشیم و هراسی از شکست که به فرموده مقام معظم رهبری شکست و تسلیم برای ملت ایران معنا ندارد. ایشان فرمودند: «ملت ایران عزیز و پیروز است و عزیز و پیروز خواهد بود و به توفیق الهی عزت و شرف آن محفوظ خواهد ماند.»

در دفاع مقدس اگر پیرمردی به جبهه‌ها می‌رفت و از او می‌پرسیدند چرا با محاسن سفید قدم به میدان نبرد گذاشته است، از حبیب‌ابن‌مظاهر یار باوفای امام حسین(ع) مثال می‌آورد. یا نوجوان شهید مرحمت بالازاده وقتی که می‌خواست اذن جبهه رفتن را از رئیس‌جمهور وقت (مقام معظم رهبری) بگیرد، مثال از حضرت قاسم(ع) نوجوان شهید کربلا آورد

گفت‌وگوی «جوان» با محمود مدائنی برادر شهید و از رزمندگان حاضر در عملیات کربلای یک

انگار در قمقمه‌ام شربت شهادت داشتم!

شهید کاظم مدائنی در مسابقات قرآن لشکر ۲۵ کربلا

زینب محمودی‌عالمی

عملیات کربلای یک در نهم تیر ۱۳۶۵ به جهت آزادسازی شهر مهران از اشغال مجدد بعثی‌ها انجام شد. شهید کاظم مدائنی یکی از شهدای عملیات کربلای یک بود که آذر ۱۳۴۳ در شهرستان بابلسر متولد شد و دهم تیر ۱۳۶۵ در مهران به شهادت رسید. در گفت‌وگویی که با جانباز محمود مدائنی، برادر شهید انجام دادیم، مروری به خاطرات این شهید و همچنین خاطرات جانباز مدائنی از دوران دفاع‌مقدس داشتیم. در خانواده مدائنی سه برادر همزمان در جبهه حضور داشتند و پس از مدت‌ها رفت و آمد به جبهه، نهایتاً کاظم به شهادت رسید و محمود و سلمان نیز جانباز شدند.

تیرماه یادآور عملیات کربلای یک است، چه خاطراتی از این عملیات غرورآفرین دارید؟

عملیات کربلای یک در ارتفاعات قلاویزان در نزدیکی مهران انجام شد. هدف اصلی این عملیات آزادسازی شهر مهران و ارتفاعات قلاویزان و کله قندی بود. من از پاسدارانی بودم که درعملیات کربلای یک و آزادسازی مهران حضور داشتم. برادرم شهید کاظم مدائنی، مؤذن و قاری برجسته قرآن بود که در مسابقات قرآنی لشکر ۲۵ کربلا مقام آورده بود. ایشان به عنوان داوطلب بسیجی به جبهه اعزام شدند و در عملیات کربلای یک در دهم تیر ۱۳۶۵ به شهادت رسیدند. شهید کاظم مدائنی در یکی از یگان‌های زرهی لشکر ۲۵ کربلا خدمت می‌کرد و یکی از باتجربه‌ترین نیروها بود که روی تانک و نفربر کار می‌کرد. ایشان در زمان عملیات کربلای یک از یگان زرهی بیرون آمد و در گردان پیاده شرکت کرد. ما قبل از عملیات کربلای یک در منطقه چیلات اردو زده بودیم. رزمنده‌ها آماده عملیات بودند. هرسه برادر در کربلای یک حضور داشتیم.

در کربلای یک هر سه برادر در یک منطقه بودید؟

پیش از آغاز عملیات همدیگر را ملاقات کردیم. یک روز در یک اردوگاهی که حضور داشتیم، من گفتم از بین ما سه نفر یک نفر باید در این عملیات شهید شود. گفتم اگر خدا بخواهد من شهید می‌شوم. برادرم گفت نه نوبت من است شهید شوم. وقتی چمدانش را بعد از شهادتش باز کردم اولین چیزی که روی وسایلش بود وصیتنامه‌اش بود. او خودش را آماده کرده بود تا شهید شود.

نحوه شهادت‌شان چگونه بود؟

برادرم و همرزمانش از سوی بعثی‌ها محاصره شده بودند. شهید حمید میرزاده، تنها فردی بود که به طور معجزه آسایی از آن محاصره جان سالم به در برد و راوی لحظات شهادت برادرم و دیگر همرزمانش شد. البته حمید میرزاده بعدها در عملیات دیگری به شهادت رسید. حمید تعریف می‌کرد وقتی که بعثی‌ها به رزمنده‌های مجروح تیر خلاص می‌زدند، من هم زخمی در گوشه‌ای افتاده بودم. لحظه آخر شهادت نیروها، فقط شهید کاظم مدائنی تا لحظه آخر قرآن می‌خواند و ذکر می‌گفت. آیت‌الکرسی و دعا می‌خواند. به بچه‌هایی که زخمی شده بودند می‌گفت شهادتین بگویید. نگاه کردم دیدم نیروهای بعثی با پوتین بچه‌هایی را که زخمی بودند می‌زدند. موقعی که بالای سرم آمدند تا به من هم تیر خلاص بزنند، نیروهای خودی به ارتفاعات رسیدند و بعثی‌ها با دیدن نیروهای کمکی فرار کردند و آخرین تیر خلاص را به من نزدند. میرزاده از آن مهلکه نجات یافت و در شلمچه به شهادت رسید. اگر عکس‌های شهدایی که در قلاویزان به شهادت رسیدند را نگاه کنید جای شکنجه بعثی‌ها روی صورت‌شان مشخص است.

شما خودتان هم آن زمان در منطقه عملیاتی بودید، چگونه از شهادت برادرتان باخبر شدید؟

بچه‌ها آمدند گفتند کاظم اسیر شده است. حدس زدم، باید شهید شده باشد. برای اینکه روحیه بچه‌ها خراب نشود گفتم کاظم زنده است. برویم قلاویزان را بگیریم. فردای آن روز سردخانه‌های ایلام و مهران را گشتم و هرچه جست‌وجو کردم اثری از کاظم نبود. بعد به قرارگاه رفتیم و گفتند پیکر کاظم را آورده‌اند. سه روز بعد از شهادتش پیکر را به بابلسر رساندند.

چه تعداد از رزمندگان بابلسر در عملیات کربلای یک شهید شدند؟

بچه‌های بابلسر در این عملیات هشت شهید دادند. بعد که مهران آزاد شد، دو نفر از نیروها به نام‌های سید حسینی و شعبان قربانی به اسارت درآمدند. این هشت شهید در روز دهم تیر و روزهای بعد عملیات کربلای یک آسمانی شدند. آنها شیرمردانی بودند که فاتحان قلاویزان نام گرفتند، شهیدان اصغر قلی‌تبار، شهید مجید طاهایی، احمد رهنمایی، مسلم حاجی‌زاده، کاظم طالبیان، محمودرضا رحیمیان، شهید بهمن علی‌پور و شهید کاظم مدائنی شهدایی بودند که در عملیات کربلای یک به شهادت رسیدند.

عملیات کربلای یک با چه هدفی انجام شد؟

اهداف عملیات کربلای یک آزادسازی مهران، ارتفاع قلاویزان و منطقه حسن‌آباد بود و مسلط شدن بر کل منطقه با رمز ابوالفضل‌العباس‌ادرکنی شروع شده بود که عملیات ۱۰ روز به طول انجامید و ایران در این عملیات موفق شد. شجاعت لشکر ۲۵ کربلای مازندران زبانزد بود. لشکر ثارالله در این عملیات سمت چپ ما قرار داشت. در اثنای این عملیات ما باید به نیروهایی ملحق می‌شدیم که شک داشتیم عراقی هستند یا خودی. کمی که جلوتر رفتیم متوجه شدیم رزمندگان خودمان هستند. با هم ملحق شدیم و به پیشروی ادامه دادیم. رفتیم و قلاویزان را گرفتیم. هرچند که بچه‌های زیادی شهید شدند اما در کل عملیات کربلای یک موفقیت‌آمیز بود. یک خاطره‌ای را از این عملیات تعریف کنم. نیروهای بعثی سعی می‌کردند با پوشیدن لباس رزمندگان، به ما حقه بزنند. در یک مورد بعثی‌ها به سمت ما آمدند و تعدادی از بچه‌ها به سمت‌شان شلیک کردند. من داد زدم: شلیک نکنید اینها خودی هستند. اما وقتی که دست از تیراندازی برداشتیم، ناگهان آنها به سمت ما شلیک کردند. دوباره درگیری آغاز شد و شکر خدا با هلاکت چند نفر از بعثی‌ها و اسارت تعدادی دیگر، این درگیری با پیروزی ما به اتمام رسید.

خود شما از چه سالی به جبهه ورود کردید؟

سال ۶۰ من برای اولین بار به جبهه رفتم و از طرف گروه فدائیان اسلام، به همراه سردار شهید حاج حسین بصیر در شکست حصرآبادان حضور داشتم. زودتر از برادرانم به جبهه رفته بودم. خواهرزاده‌ام شهید مهدی نورانی، دانش‌آموز شجاعی بود که به عنوان اولین شهید خانواده در شکست حصرآبادان به شهادت رسید. برادر شهیدم کاظم سه‌سال از من بزرگ‌تر بود. با همدیگر در عملیات آزادسازی خرمشهر حضور داشتیم. سنم کم بود و سپاه ما را اعزام نمی‌کرد، لذا از طرف گروه فداییان اسلام و سردار شهید حاج حسین بصیر و مرحوم جانباز تقی جولانی یک مینی‌بوس شدیم و به جبهه رفتیم. چون سن ما پایین بود می‌گفتند حتماً رضایتنامه پدر را بیاورید. از طرف پدرم رضایتنامه نوشتم و خودم امضا کردم و خلاصه قبول کردند و جبهه‌ای شدیم. قبل از آن در منجیل و آبادان آموزش دیده بودم. درعملیات آزادسازی خرمشهر، هویزه و کرخه نور به اتفاق برادرانم حضور داشتم. آن موقع هنوز لشکر ۲۵ کربلا تشکیل نشده بود و در قالب نیروهای تیپ ۳۷ نور به جبهه می‌رفتیم.

در چه عملیات‌هایی حضور داشتید؟

درعملیات شکست حصر آبادان، الی بیت‌المقدس، رمضان، بدر، کربلای یک، کربلای پنج، کربلای هشت، کربلای ۱۰ مجموعاً ۶۴ ماه درجبهه حضور داشتم. درعملیات والفجرهشت دشمن شیمیایی زد و ۲۵ درصد مجروحیت شدم. در آبادان و کربلای یک هم مجروح شدم.

چه انگیزه‌ای باعث می‌شد، هر سه برادر با هم به جبهه بروید؟

در زمان جنگ خانواده‌های بسیاری بودند که سه شهید یا بیشتر تقدیم کرده بودند. ما سه برادر هم پیش خودمان می‌گفتیم خون‌مان که از آنها رنگین‌تر نیست. آن زمان یک شور و شوقی در جبهه‌ها حاکم بود. حتی نیروهایی که به عنوان سرباز به جبهه می‌رفتند، جذب محیط آنجا می‌شدند و بعد از خدمت همانجا می‌ماندند. مانند شهید محمد میرزاده که تک فرزند خانواده‌اش بود. ایشان سربازی‌اش در جبهه بود اما ماند و فرمانده گروهان شد و در شب عملیات کربلای پنج به شهادت رسید. من هم پس از مدت‌ها حضور در جبهه، در فرماندهی و ارکان گردان بودم.

چه خاطره‌ای از دوران حضور در جبهه برای‌تان ماندگار شده است؟

در مرحله دوم عملیات کربلای یک قلاویزان را گرفتیم. بعثی‌ها نیروهای قسم خورده صدام بودند که تا آخرین گلوله شلیک می‌کردند و بعد از اتمام مهمات‌شان، دست‌ها را بالا می‌بردند و اسیر می‌شدند. عملیات کربلای یک تیرماه بود و در آن وضعیت جنگی در منطقه گرم و خشک ایلام اگر ۱۰ متر راه می‌رفتیم از تشنگی دهان‌مان کاملا خشک می‌شد و نمی‌توانستیم لب از لب باز کنیم. من یک قمقمه آب داشتم. در مسیر که می‌رفتیم برادرم و پنج‌نفر از نیروها همراهم بودند. برادرم گفت: آب داری؟ (قمقمه او و دیگر بچه‌ها ته کشیده بود) قمقمه را باز کردم و کمی لبش را تر کرد. دومین نفر شهید محمد میرزاده و چهار نفر دیگر با همین قمقمه لب‌شان را تر کردند تا از تشنگی نجات پیدا کنند. انگار در این قمقمه شربت شهادت بود. چراکه کمی بعد هر پنج نفر به شهادت رسیدند.

آخرین عملیاتی که حضور داشتید چه عملیاتی بود؟

در عملیات مرصاد که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود، شرکت کردم و حتی بعد از آتش‌بس همچنان همراه گردان در خط حضور داشتم. در عملیات‌های مختلف مسئولیت‌هایم فرق می‌کرد. در عملیات والفجرهشت در آزادسازی فاو فرمانده یگان دریایی لشکر صاحب الزمان بودم و بعد از آن به لشکر ۲۵ کربلا رفتم. در عملیات کربلای یک هم جزو ارکان گردان بودم. در عملیات رمضان که به عنوان اولین عملیات حضور پیدا کرده بودم، سنم خیلی کم بود. یک خبرنگاری با من مصاحبه کرد که عکسم در نشریه امید انقلاب چاپ شد. این هم یک خاطره شیرینی است که از دوران جنگ دارم.

جانباز محمود مدائنی در حال مصاحبه در جبهه

آن زمان یک شور و شوقی در جبهه‌ها حاکم بود. حتی نیروهایی که به عنوان سرباز به جبهه می‌رفتند، جذب محیط آنجا می‌شدند و بعد از خدمت همانجا می‌ماندند. مانند شهید محمد میرزاده که تک فرزند خانواده‌اش بود. ایشان سربازی‌اش در جبهه بود، اما ماند و فرمانده گروهان شد و در شب عملیات کربلای پنج به شهادت رسید

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۳٤۱

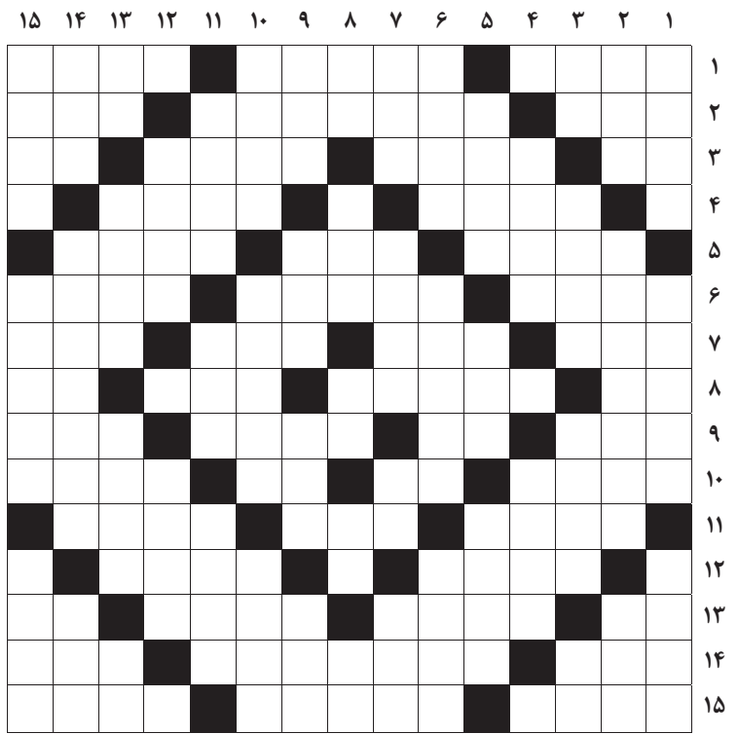

از راست به چپ

■ ۱- نام دیگر سوره مؤمن- ودیعه بانکی- تیم سوئیسی ■ ۲- دانه تسبیح- خوشبین به آینده- مسافتی که تیر طی می کند ■ ۳- بهتر از بدتر- نیم میلیون- قبل از ورزش- رود آرام ■ ۴- اکله- توبه کار ■ ۵- نقاش- اولین حرف الفبای فارسی- خاکستری تیره ■ ۶- شاعر دشتستانی- تشخیص دارو برای بیمار- آشیانه پرندگان شکاری ■ ۷- جنگ- لیوان آزمایشگاهی مدرج- شریک قائل شدن برای خدا- لوس ■ ۸- شمردن- قراضه و فرسوده عامیانه- شیمی کربن- آب منجمد ■ ۹- پرنده‌ای است کبودرنگ - جوی خون- کفایت کننده- وصله ناپیدا ■ ۱۰- از توابع اصفهان- دریا- شاه بی شین- دریاچه مرزی امریکا و کانادا ■ ۱۱- زین و برگ اسب- کار نیک- از سازهای کوبه‌ای ■ ۱۲- متضاد تأخر- از سبزی‌های خوراکی ■ ۱۳- قورباغه- لقب حضرت عیسی- کار نیک- دشنام ■ ۱۴- واحد پول ایران قدیم- از درندگان زیبا و خوش پوست- باد ■ ۱۵- خلیفه عباسی که به دست برادرش کشته شد- شهر آرامگاه باباطاهر- اولین زائر امام حسین(ع)

از بالا به پایین

■ ۱- از گناهان زبانی- عنوان شاهان مصر باستان- مالیخولیا ■ ۲- شیر- حفظ اسرار- بخشش ■ ۳- باشکوه- تنومند- ورقه نازک ثبت مشخصات- نت موسیقی ■ ۴- نوعی بیماری که میکروب از راه زخم وارد بدن می‌شود- حیوان کوچکی است شبیه سمور ■ ۵- اقیانوس کبیر- دست نخورده- ملکوتی ■ ۶- باد بسیار گرم- عطش- کامل ترین غذای طبیعت ■ ۷- سالخوره- مزد- کنایه از بسیار باهوش- دوراندیشی ■ ۸- رفوزه- میوه باب گلو- دریا- هالوژن نمک- درخت بی بر ■ ۹- پست و حقیر- قبض رسید- شغل- حلال نشده ■ ۱۰- دروازه‌بان سابق تیم ملی انگلیس- حیوان شتر گاو پلنگ- دندانساز ■ ۱۱- خاکستر- فروش بازاری- مکث و تأنی ■ ۱۲- رسا- صدوچهارمین سورهٔ قرآن کریم ■ ۱۳- مهریه حضرت زهرا(س)- هنرپیشه نقش منفی- غذای زندانیان- راه نافرجام ■ ۱۴- رود چین- لباس متحدالشکل- میوه پرخاصیت ■ ۱۵- علمی که بر اثر القای الهی بر دل انسان حاصل شده باشد- سبزی معطر و تندمزه- کاردانی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

						۳	۸	
	۱	۲						
			۴		۵		۶	
		۴		۲				۶
۲							۹	۸
۳	۷			۶				
		۱	۸		۲			
						۴	۵	
		۶	۳		۱	۸		

۶	۹	۷	۱	۴	۳	۲	۵	۸
۱	۵	۴	۲	۶	۸	۳	۹	۷
۳	۸	۲	۹	۵	۷	۱	۶	۴
۴	۱	۹	۷	۲	۵	۶	۸	۳
۷	۶	۸	۴	۳	۱	۵	۲	۹
۵	۳	۲	۶	۸	۹	۴	۷	۱
۹	۲	۵	۸	۱	۶	۷	۳	۴
۸	۴	۶	۳	۷	۲	۹	۱	۵
۲	۷	۱	۵	۹	۴	۸	۶	۳

جدول کلمات متقاطع
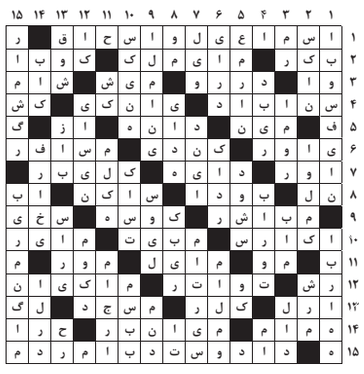
پاسخ جدول شماره ۷۳٤۰